

# لس کورباس بنیانگذار تئاتر اوکراین از نلی نیکولاونا کرینکو



رتال جامع تصویر لس کورباس ۱۹۱۳

اگر لس کورباس (۱۹۲۲-۱۸۸۷) در جهان امروز از آوازه‌ای برخوردار است تصادفی نیست. در روزهای پایانی این قرن ما همه جا شاهد رشد مکاتب ناظر بر اصالت انسان یا اومانیسم و جهان‌گرایی در اذهان هنرمندان و فلاسفه هستیم. لس کورباس یکی از اینان بود. وی، بازیگر، درام‌نویس، مترجم، کارگردان تئاتر و سینما، دارای قریحه‌ای بنیادی در کار تئاتر پیرو مسل پسوم، ترازوی نویس و بلاوه یک برنامهریز فرهنگی بود. اینها دلایلی است که با گذشت نیم قرن از مرگ او هنوز هنرش الگوی تقلید است.

نام لس کورباس به عنوان بنیانگذار تئاتر اوکراین در اتحاد شوروی در تاریخ هنرهای دراماتیک در کنار نام بزرگانی چون کنستانتین استانیسلاوسکی، و سولودمی یرهلد، یوگونی واک تان گوف، ماکس رن هارت، ادوارد گوردن کریگ و پرتولت برشت نقش بسته است. او در شهر گالیسی که بخشی از امپراطوری اتریش و مجارستان آن زمان را تشکیل میداد در خانواده‌ای بنام یانویچ که از بازیگران مشهور اوکراین بودند متولد شد. تحصیلات

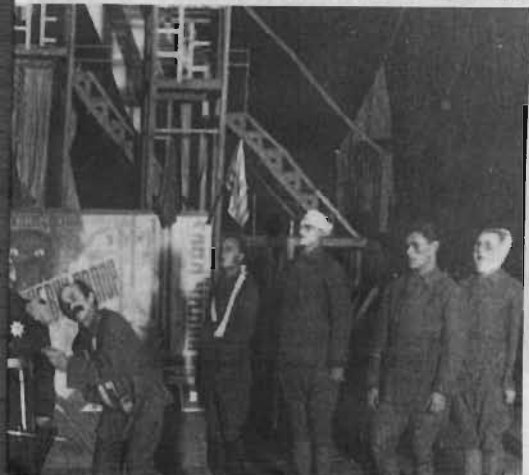
دانشگاهی را در وین و لوف به سرانجام رسانید و چندین زبان از جمله زبان انگلیسی را برای آشنا شدن با شکسپیر به زبان اصلی و نروژی را برای شناخت ایبسن و سانسکریت را برای تعلق خاطری که به شرق داشت فرا گرفت به این ترتیب وی وقتی به فرهنگ ملی خود بازگشت با روحیه یک مصلح چهره‌نمائی کرد.

کورباس با پایه‌گذاری «تئاتر جوانان» در سال ۱۹۱۷ پای به صحنه جهانی کشفیات تئاتر نهاد. این دست‌آورد منحصر به فرد موفقیت‌آمیز تا سال ۱۹۱۹ ادامه یافت. تماشگران پرشور در حالی که گرم‌کن و بلوز به تن داشتند (زیرا زمان جنگ داخلی و بهم ریختگی اقتصادی بود) به دیدن نمایشهای او می‌آمدند. اثر درخشان او «دیپ شهریار نوشته سوفوکل را اول بار او در اتحاد شوروی به روی صحنه آورد. یولا اثر جالب و خیال‌انگیز زولاوسکی، جان هوس اثر برجسته تاراس شوچنکو، در بیشه، ترازوی روشنفکری لسیا اوکراینکا، نمایش فولکلوری در باره جشن میلاد مسیح و کمی بعد آثار شکسپیر، مولیر، شیلر، هوگو، کرومولینک و گرلیپارزر مجموعه‌هایی بودند که کورباس آنها را به نمایش در آورد.

کورباس تئاتر اوکراین را در فرهنگ شوروی و حتی اروپا برجسته ساخت. در سال ۱۹۲۵ طرح صحنه‌ی یکی از نمایش‌های او در اتحاد شوروی کافی بود که مدال طلای نمایشگاه جهانی پاریس را از آن خود نماید. یکی از شعرای بزرگ و ادیب شوروی بنام اوسپ ماندل استام گرچه بهره‌چندانی از هنر تئاتر نداشت این تیزهوشی را داشت که ذوق هنری کورباس را کشف و او را بنیانگذار تئاتر اوکراین اعلام کند.

اصل «انسان به عنوان جهانی کوچک» که گریگوری اسکوفوردا فیلسوف بزرگ اوکراینی در قرن هیجدهم آن را مطرح می‌کند، همچنین تئوریهای وی در مورد «انسان ذاتی»، و نیز اهمیت معنویت و کرامت انسانی الهام‌بخش تجربیات نمایشی کورباس بوده‌اند. اندیشه‌های اسکوفوردا بر تئاتر برزیل (Berezil) در خارکف که بخش عمده حیات هنری کورباس در آن سپری شده نیز عمیقاً تأثیر کرده‌اند. او در بسیاری از آفرینش‌های هنری خود برای مطالعه پی‌پایان حقیقت روح از اندیشه‌های اسکوفوردا الهام گرفته است.

کورباس رایباید هنرمند انقلاب دانست. او همانند واختانکوف نوعی مدل اجتماعی را در تئاتر یافته بود و آنرا مجموعه‌ای میدانست که ایده‌های بزرگ در آن مطرح میشوند. در جهان‌بینی او تئاتر به عنوان وسیله‌ای برای انتقال صورت و هیأت جهان و حامل پیامی صمیمی و طریق بیان یک آرمان است. با اعتقاد به قدرت اخلاقی هنر و خصیصه پیامبرانه آن کورباس معتقد بود که تئاتر می‌تواند با تکیه بر پویائی هنر و اصول اخلاقی حاکم بر خود واقعیت را تغییر دهد.



رنج و تعب ملتَم روح مرا می‌آزارد  
باشد که در ایام شادی و غم  
قلبم با ملت باشد  
و از این رهپویی آزرده نشود.

اگر بارقه آسمانی قلبم را فراگیرد  
من به تهیج مردمم قیام می‌نمایم  
و اشک از چشمان آن‌ها می‌شویم

پاولوسک  
۳۳ ژوئیه ۱۸۶۰

شعر  
چنین میندار که یک زندگی بی‌روح و بی‌رسمق از آسمانها  
به تو ارزانی شده است هر آنچه که برای مدتی محدود از  
حیات بهره‌مند است دوباره به خاک باز میگردد.  
یک روح شیفته کار و تلاش به بودن ما روشنائی می‌بخشد  
و ما را به ابدیت هدایت می‌کند، همان ابدیتی که به ما روح  
داد خوشبخت آن کس که عمرش با اعمال نیک و قابل  
ستایش سپری می‌شود چنین کسی جسام آب حیات را  
مینوشد.

پترزبورگ ۱۸۶۰

شب  
وقتی قیل و قال و هیاهوی روز به پایان میرسد  
و غریب یکنواخت اهریمن خاموش می‌شود  
آن وقت است که روستا راحت می‌خوابد  
پس ای شب جنوب مشتاقم در تو سیر نمایم.

۱۸۶۱ - ۱۸۵۷

شعر  
امید از من رخت بریست و رؤیا مرا ترک گفت  
همه چیز نابود شد، من خود را تنها می‌یابم  
تیر از کمان عشق ناکام پرتاب شد  
بر قلب من نشست و آنرا به طوفان سپرد  
به کدامین دلیل ترا با ناکامی ملاقات کنم؟ افسوس!

چه کسی تو را چون طبعی از خیر و نیکی بیافرید؟  
و تو ای قلب همواره آرام  
این کدام نیرو بود که تو را از عدم حیات بخشید؟

راست است که من برای اویم، اما او برای من نیست  
دیگری از دست او جام بی‌هوش کننده دریافت می‌کند  
او دیگری را عزیز میدارد، برای او چابلوسی و او را  
انتخاب می‌کند  
پس نفرین باد بر این سرنوشت که مرا ناکام گذاشت.

رازم را با چه کسی در میان گذارم،

شکایت به چه کسی برم؟  
در بسته را چه کنی باز خواهد کرد؟  
درد بی‌علاج را چه کسی شفاعت کند؟  
چه کسی امید مرده مرا پاسخگوست؟

ترجمه شده از گرجی به فرانسه  
وسیله گاستن بواجیدزه

گاستن بواجیدزه زبان‌شناس و مترجم روسی و متخصص  
در ادبیات و زبان فرانسه است. عضو اتحادیه نویسندگان  
گرجستان شوروی است و در دانشگاه دولتی تفلیس تدریس  
می‌نماید.



# غذا برای همه

## از یانیس کوتسوشراس

بدلیل اهمیت مسأله به فراخوان یانیس کوتسوشراس شاعر و شخصیت سیاسی یونانی که قبلاً در شماره ۲۰۴ پیام یونسکو از آن یاد کرده‌ایم باز میگردیم.

در واقع اندیشه‌هایی می‌توانند اثرات خود را بر تاریخ نقش نمایند که از دگم‌گرایی کمتر متأثر بوده و بویژه با بیطرفی مطلق و فارغ از سودجویی از آنها دفاع شود. کورباس موفق گردید که به رؤیای کریگ که بدنبال یک مکتب تأتری بود جامعه عمل ببوشاند. او مجمع هنرمندان برزیل را بوجود آورد که در آن شبکه‌ای از کارگاههای هنر دراماتیک شکل گرفتند. این مجمع تمامی شاخه‌های جدید تأثر شوروی را از تراژدی گرفته تا اپرا و همچنین واریته‌ها، سیرک، مجلات، آهنگ‌های کمندی و حتی انستیتوهای پژوهشی تأثر را در بر میگرفت.

برخی از آثار که با صیغه سیاسی بین سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۲۶ در مجمع برزیل تولید شدند عبارت بودند از گاز اثر کیسر، *هداماکها* (سربازان اوکراینی) از شوچنکو، جیمی هیگینی از سینکلر و مکتب از شکسپیر. کورباس از خلال این آفرینش‌های خود برجسته‌ترین و درخشان‌ترین مطالعات روانشناسی و اخلاقی را به انجام رسانید، بطوریکه وی را نسبت به آنچه که در آن زمان در دنیای تأثر می‌گذشت در سطحی پیشرو قرار داد.

ما از مفاهیم مورد نظر کورباس در تأثر می‌توانیم چیزهای زیادی فراگیریم، زیرا آنچه که در زمان وی حقیقت داشت امروز نیز حقیقت است. جستجوی «حیات مقدس روح انسانی» در نزد جزوی گروتوفسکی کارگردان تأثر تجربی لهستان، طرح فرهنگ نوین بوسیله پیتر بروتک بریتانیایی، کشف مجموعه ظریف ریشخند، کمندی و عمق در فیلم‌های فدیرکو فلینی کارگردان ایتالیایی و سئیلیسم ترازیک از اینگمار پراگمن کارگردان سوئیدی تماماً تداعی کننده دست‌آوردهای نمونه روسی و بویژه مکتب تأثر کورباس می‌باشند. بعد اسرارآمیز آفرینش‌های هنری کورباس در آنست که ویژگی بی‌زمانی را به درک وی از طبیعت انسانی پیوند می‌دهد. او با پرداختن به مضامین هنر باروک و آوردن مفاهیمی نظیر جدی و پوچ، فناپذیری و جاودانی، عالی و دانی زندگی روزانه را به نحو شگفت‌انگیزی به نمایش می‌کشد. نظرات زیبایی‌شناسی کورباس فرم نوین و پویایی از واقع‌گرایی مبتنی بر تخیل را به دنیای تأثر ارزانی داشت و امکانی را بر آن ایجاد نمود که به پیچیدگی‌های جهان و تضادهایی که انسان در توضیح مفاهیم حیات خود با آنها مواجه میشود پاسخگو باشد.

پیشنهاد فوق بوسیله نهادهای گوناگونی چون شورای اروپا (۱۹۸۰)، پارلمان یونان (۱۹۸۴) یونسکو (۱۹۸۵) و انجمن بین‌المللی قضات دموکرات (۱۹۸۶) تصویب شد. همچنین استقبال شخصیت‌ها و محافل متعددی را در پی داشت و در واقع چنین قضاوت شد که این پیشنهاد با توجه به کارسازی آن بایستی بدون فوت وقت به اجراء در آید.

قبل از همه این وظیفه روشنفکران است که صرف نظر از فرهنگ، ملیت، اعتقادات سیاسی، نژاد و یار رنگ علیه این بی‌عدالتی‌های خیزند و برای پایان بخشیدن به این سنگ بشریت همیاری نمایند. بلکه دیگر شاهد سوتیترهایی چون «قحطی در حال پیشرفت» یا «تعداد گرسنگان و کسانی که گرفتار سوءتغذیه‌اند در جهان روبه افزایش است» در روزنامه‌ها نباشیم. بلکه دیگر شاهد حضور ۳۰ میلیون انسان گرسنه در سراسر جهان نباشیم.

به همین منظور اخیراً میز گردی از شخصیت‌های کشورهای مختلف در پاریس تشکیل گردید و کمیته‌ای موقتی را برای تدارک روز جهانی تغذیه، مقارن با ۱۶ اکتبر ۱۹۸۷، که در یونسکو برگزار می‌شد بوجود آورد. هدف این دیدار صدور «فراخوان پاریس» بود که غیرتجاری کردن مواد غذایی اساسی و به ویژه مواد مورد نیاز کودکان را مد نظر قرار میداد. این فراخوان به همه دولت‌ها ابلاغ و برای حساس نمودن افکار عمومی در وسائل ارتباط جمعی نیز طرح میشود. بنابراین دولتها در این کار نقش مهم دارند که بدون آن هیچ کاری صورت نخواهد گرفت.

شگفت آنکه روزگار ما را دوران «فراوانی» نامیده‌اند. تعداد انسانها و حتی ملت‌هایی که گرسنگی آنها را مایوس از آینده می‌نماید به گونه تکان دهنده‌ای فزونی میگردد. این واقعیت قبل از همه بطور غیرقابل قبولی گریبانگیر خردسالان کشورهای در حال توسعه است. در این کشورها هر ساله ۶۵ میلیون نفر از گرسنگی می‌میرند و ۵۰ میلیون نفر نیز قربانی سوءتغذیه‌اند که نتایج منفی فیزیکی و اخلاقی را در پی دارد. از جمله این اثرات منفی مشکلاتی است که بر سر راه آموزش عادی و حرفه‌ای این گونه افراد بوجود می‌آید.

در حالی که گروه‌های انسانی و نیز ملت‌ها در فقر مطلق بسر می‌برند و قحطی از آنها قربانی میگردد دیگر بر کسی پوشیده نیست که مقادیر زیادی از مواد غذایی جذب نشده در بازار منهدم می‌شوند، دست‌آوردهای علمی که بکار تغذیه جمعیتی بیشتر می‌آیند از بیم اینکه کاهش قیمت‌ها را موجب می‌شوند معلق و به کنار نهاده میشوند، و باز این در حالی است که مبالغی نجومی صرف رقابت‌های تسلیحاتی میشود و آنها از ترس جنگی که هرگز اتفاق نخواهد افتاد، زیرا اگر چنین شود خودکشی همگانی را در پی خواهد داشت. این فقر و مسکنت مطلق باعث نوعی نومیذی فزاینده و تسلیخی ترسناکی شده است که به کینه‌توزی، طغیان، اعمال خشونت‌آمیز و نیز جنگ‌ها منجر میشود.

دسترسی آزاد به مواد غذایی اساسی برای تضمین حق حیات ضرورتی انکارناپذیر است. مفهوم حقوق بشر علی‌رغم اینکه آرام آرام حق بهداشت، تعلیم و تربیت و کار را نیز بر قلمرو خود افزود بنظر میرسد که نسبت به حق بنیادی حیات عنایت چندانی نشان نداده است.

در سال ۱۹۷۵ به عنوان یک عضو پارلمانی پیشنهادی در خصوص تضمین دسترسی همگانی به مواد غذایی اساسی به شورای اروپا ارائه نمودم و برای اینکه این پیشنهاد طی مراحل صورت عمل بخود بگیرد قسمت اول آنرا محدود به تغذیه کودکان کردم. برای تأمین صیانت حیات کودکان این پیشنهاد مقرر می‌نمودم که برخی از تولیدات مواد غذایی اساسی را خارج از جریان تجارت قرار دهند و برای هر کودک سهمیه‌ای رایگان در نظر گرفته شود.

### خرمن‌گویی در لبنان

صحنه‌ای از جیمی هیگین، نمایش نمونه‌ای که داستان آن با مضمون صلح و دوستی و انسان‌گرایی در سال ۱۹۱۹ بوسیله ایبتون سینکلر، نویسنده آمریکائی، منتشر شد و در سال ۱۹۲۳ لس کورباس آنرا بروی صحنه آورد.

